

رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران)

کوروش مومنی^۱
زهرا مسعودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۰۴
تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

چکیده

تحولات قرن حاضر، موجب دگرگونی‌ها و تغییراتی در بین برخی جلوه‌های زندگی و فرهنگ جامعه ایرانی و کم‌توجهی به معماری سنتی گردید. از طرفی سرعت وقوع این تحولات، مانع تطبیق آن‌ها با فرهنگ جامعه شد. در حالی که این تحولات در کشورهای اروپایی گام‌به‌گام صورت گرفته بود و آن‌ها تا حد زیادی تغییرات را به راحتی جایگزین کردند. حال اگر برای باززنده‌سازی فرهنگ و معماری اصیل ایرانی، عوامل اساسی آن شناخته شود، این هنر به حیات خود ادامه خواهد داد. معماری فقط مجموعه‌ای از سبک‌ها و فرم‌ها نیست و حتی به صورت کامل شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را مشخص نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از موارد یادشده است. معماری به عنوان یک سیستم ارتباطی، با فرهنگ در تعامل است و برای دریافت پیام موجود در آن، باید زمینه فرهنگی‌ای که معماری در مسیر آن به وجود آمده، مورد شناخت و مطالعه قرار داد. در غیر این صورت، مفاهیم آن به خوبی قابل درک نخواهد بود.

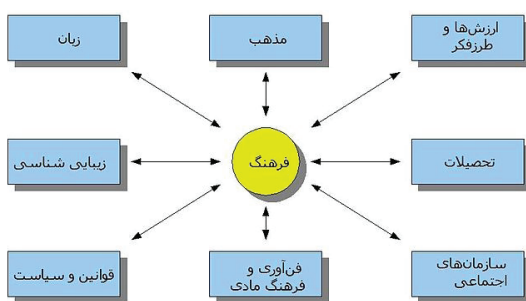
موزه هنرهای معاصر تهران، حاصل هم‌نشینی مفاهیمی است که از یک سو، با اصل و درون‌مایه‌ی نگرش مدرن در معماری پیوند دارند و از سوی دیگر، به عمیق‌ترین لایه‌های تفکر معماری ایرانی مرتبط است. در این مقاله سعی بر آن است که موزه هنرهای معاصر، از جهت رابطه فرهنگ و معماری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از سایت‌های اینترنتی و کتاب‌های مرتبط با موضوع و تحلیل‌های میدانی بوده است. در آخر، با بهره‌گیری از استدلال شهودی و استنتاجی شواهد و اسناد موجود، نتیجه‌ای کلی استنباط گردیده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد، برخی از مفاهیم اصیل فرهنگ و معماری سنتی ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر طراحی موزه‌ی هنرهای معاصر مؤثر بوده است به گونه‌ای که این مفاهیم با کانسپت‌های شکل‌گیری بنا هم‌پوشانی دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، معماری، موزه، موزه هنرهای معاصر، کامران دیبا.

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، Email: K_momeni@jsu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، Email: Zohreh.masoudi@jsu.ac.ir

تاریخ بود. در دوره رنسانس برخلاف دوره‌های پیش، این احساس در افراد به وجود آمد که انسان ناخواسته به چیزهای بزرگ و تازه‌ای دست‌یافته و پیشرفت زیادی کرده و علت آن هم خردورزی و همه‌گیر شدن روشن‌اندیشی بود (آشوری، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۷). فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" است. "فر" به معنای شکوه و عظمت است و اگر به‌عنوان پیشوند بکار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. "هنگ" از ریشه اوستایی به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. لغت‌نامه‌ی دهخدا در رابطه با این موضوع چنین نوشته است: «فر، پیشوند + هنگ، از ریشه تنگ^۱ اوستایی به معنی فرهیختن و فرهنگ. هر دو مطابق است با ادوکات^۲ و ادوارد^۳ در لاتینی که به معنی فرهنگ است که علم و دانش و ادب باشد» (دهخدا، ۱۷۱۳۲: ۱۳۷۷). این واژه مرکب به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متفاوت و متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را گرفته است. از آن جمله می‌توان به معانی ذیل اشاره کرد: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب‌ورسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، نیکویی و پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت، عقل و نیز تعلیم و تربیت، آموزش‌وپرورش و مکتب و ایدئولوژی.



شکل ۱- دیاگرام معناشناسی فرهنگ (مأخذ: نگارندگان).

وسعت قلمرو فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی انسان است و تمامی میراث‌های اندیشه و عمل انسان امروز را شامل می‌شود. از آغاز به همین دلیل تعاریف مختلفی از نظر سیاسی، اجتماعی و ادبی از آن شده است^۴. جدول ذیل گستردگی معنای فرهنگ را به‌خوبی نشان می‌دهد.

مردم هر دوره به زبان خاص آن دوره صحبت می‌کنند و معماری را نیز به همان زبان می‌فهمند. زبان عصری، زبان زنده‌ای است که از زندگی، مسائل روز جامعه و فناوری و علم روز تغذیه می‌کند. اگر حضور معماری در زندگی و مسائل یک عصر کمرنگ شود، این فقر حضور، به زبان و فرهنگ هم منتقل می‌شود. برعکس این مسئله هم صادق است، به‌نحوی که اگر زبان و فرهنگ ملتی نقصان یابد یا حتی مورد هجوم زبان و فرهنگ بیگانه‌ای قرار بگیرد، معماری آن ملت نیز دگرگون می‌شود. پس فرهنگ و معماری دو مقوله‌ی جدایی‌ناپذیرند که خواه‌ناخواه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. از این رو در این پژوهش سعی بر آن شد تا چگونگی ارتباط بین موزه‌ی هنرهای معاصر با فرهنگ جامعه درون آن بررسی شود. «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب‌شده است» (امامی، ۱۳۸۸: ۶۸). «فرهنگ در نمادهایی از جلوه‌های گوناگون، انعکاس زندگی دیرینه در انسان‌های امروزی است. فرهنگ بازتابش زندگی دیرینه در زیست‌بومی است که جوامع بدان خو می‌گیرند و در دوره‌های مختلف و تحت تأثیر عوامل گوناگون صور مختلفی می‌یابد؛ ولی هسته نژادی-سنتی خود را هم چنان حفظ می‌کند» (پاپایی‌زیدی، ۱۳۸۶: ۸۵). فرهنگ آینه تمام نمای ارزش‌های حاکم بر فرد و جامعه است و نیز بینش و نگرش کلی جامعه نسبت به جهان است که با چهره‌های گوناگون در ادبیات، هنر، تاریخ، فلسفه، سیاست، اخلاق، گفتار، کردار، مدیریت و... تجلی پیدا می‌کند. فرهنگ یک جامعه برآیندی از کل تاریخ آن جامعه است که پیوندی عمیق با جوامع مجاور و فرهنگ‌های جهانی دارد. فرهنگ‌ها همواره با یکدیگر دادوستد می‌کنند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بین فرهنگ‌ها یک بحث و گفتگوی دائمی وجود دارد و فرهنگی زنده می‌ماند که بنیه کافی و جهت سالم در مقابل فرهنگ بیگانه را داشته باشد.

معناشناسی و تعریف فرهنگ

در آغاز قرن ۱۴ هـ ش، فرهنگ از زبان کلاسیک لاتین (culture) به زبان فارسی راه‌یافته است. واژه "culture" یا همان فرهنگ، نخست در آلمان به‌کاربرده شده اما نه به معنای امروزی بلکه به معنی کشت و کار و بهسازی. درواقع یکی از عوامل اساسی که باعث پیدایش مفهوم تازه‌ای برای فرهنگ شد پدید آمدن مفهوم پیشرفت در

جدول ۱- تعریف فرهنگ از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران. (مأخذ: نگارندگان)

صاحب‌نظر	تعریف مفهوم فرهنگ
حسن انوری	پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل‌انتقال به نسل‌های بعدی است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۶۵۲).
مجید شمس	فرهنگ به معنای الگوهای رفتاری آموخته‌شده‌ای است که از نسلی به نسل دیگر یا گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود و بر پایه واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل می‌گیرد (شمس، ۱۳۸۸: ۸۳).
صابر امامی	فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب‌شده است (امامی، ۱۳۸۸: ۶۸).
علی کریمی	هویت فرهنگی شامل احساسات، فرضیات، ارزش‌ها، واقعیت‌ها، هنجارها و تئوری‌هایی است که با آن مردم تجربه‌شان را شکل می‌دهند و با آن به جهان می‌نگرند و دیگران نیز از همان چشم‌انداز به این اجتماع می‌نگرد (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۹).
مریم فلاحی	فرهنگ شیوهی زندگی کردن یک جمع است. شیوه‌ای که بر اساس دستاوردهای مادی و معنوی جمع شکل یافته است. دستاوردهای که در طول تاریخ به‌دست‌آمده هنوز دارای اعتبار بوده و در زندگی فرد و جمع جاری است (فلاحی، ۱۳۹۲).
توفیق عنایت	فرهنگ نظام باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادهایی است که در یک جامعه از گذشته دور تا امروز، برای تعامل افراد در قالب سنن، آداب، قوانین، هنرها و مجموعه‌ی ارتباطات بین افراد به وجود آمده است (عنایت، ۱۳۸۷: ۳۳).
ادوارد تیلور ^۵	مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌های و عاداتی دانسته که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۶).

رابطه فرهنگ و معماری

آنچه به‌عنوان فرهنگ برشمردیم (قوانین، ارزش‌ها و...)، تنها بخشی از فرهنگ هر جامعه است. فرهنگ، دارای بعدی دیگر نیز هست به نام بعد مادی و منظور از آن، ساختمان‌ها، بناها، کارخانه‌ها و ... است. درواقع، این امور را نیز جزئی از فرهنگ یک جامعه می‌شمارند. چون ریشه در ارزش‌ها، باورها و... دارند و از همین‌جا حلقه ارتباط فرهنگ و معماری نمایان می‌شود. «جهت‌گیری فرهنگ‌ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل‌دهی به فضای زیست و پیدایش معماری مؤثر است، چراکه این فضا به‌عنوان یک نیاز بشری مطرح است و این‌گونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می‌شوند» (فلاحی، ۱۳۹۲). معماری با بنا ارتباط دارد و بناها بخشی از فرهنگ‌اند. بنا، کتاب گردوغبار گرفته‌ای است که باید به سراغش رفت و آن را مطالعه کرد. در این صورت است که ما را از فرهنگ سازندگانش آگاه می‌کند و از هویت جامعه‌ای که در آن بناشده، خبر می‌دهد. تمامی سبک‌های بزرگ، هنگامی که از درون به آن‌ها نگاه کنیم گنجینه‌های معنوی به شمار

می‌روند؛ اما وقتی که آن‌ها را تنها به‌عنوان یک سبک تقلید کنیم این گنجینه‌ها به مقابری برای یک زندگی پایان‌یافته تبدیل می‌شوند.

هر جامعه‌ای با هر سیستمی که اداره شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمان‌های خاص خود است. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش این ایده‌های ذهنی است به‌وسیله نمود اشکال عینی، در فرآیند این استحاله معماری نقشی اساسی به عهده دارد. مردم هر فرهنگی به نوع خاصی زندگی می‌کنند که با فرهنگ‌های دیگر ممکن است، متفاوت باشد و معمار چون باید برای رفتارها، بستری طراحی کند، باید آن‌ها را شناسایی و در طراحی به آن‌ها توجه نماید این تأثیر را می‌توان در چند مبحث عنوان نمود:

توجه به نوع عملکردها و رفتارها در یک مکان متناسب با فرهنگی خاص، باعث به وجود آمدن تنوع فضاها می‌شود؛ نوع عملکرد و شکل عملکرد، عوامل تعیین‌کننده‌ی شکل و اندازه فضا هستند؛

هر نوع زندگی احتیاج به یک سری وسایل و تجهیزات دارد. شکل و رفتار هر جامعه‌ای به ابزار و اشیای خاصی

نیازمند است که معمار باید این وسایل را در نظر بگیرد؛ هر ساختمانی به دلیل آنکه شامل فعالیت‌های متفاوتی است از فضاهای متنوعی برخوردار است و لازم است این فضاها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به‌گونه‌ای خاص سازمان‌دهی شود. یکی از عواملی که تعیین‌کننده این ارتباطات است، فرهنگ است. فرهنگ تعیین می‌کند که چه فضاهایی باهمدیگر ارتباط داشته باشند و میزان ارتباط چقدر باشد (مهدوی‌پور، ۱۳۷۷: ۵۷).

معماری فرهنگ

فرهنگ رابطی است بین انسان و محیط بیرون تا ریشه او را هم در طبیعت و هم در جامعه مستحکم سازد. به کمک فرهنگ انسان‌ها به هم وابسته و نزدیک می‌شوند و با مشترکات ذهنی که زائیده همین فرهنگ است، ملت به وجود می‌آید که پیوندگاه او را اشتراکی است در خاطره‌ها و اشتراک در چیزهایی که دوست می‌دارند و اشتراک در چیزهایی که دشمن می‌دارند و اشتراک زبان و چیزهایی دیگر. فرهنگ به معنای خاص به سرمایه معنوی یک قوم گفته می‌شود که همه آثار ادبی و هنری را در برمی‌گیرد. همه آنچه از درون او سرچشمه گرفته و در برون تجلی خود را در سازندگی یافته است. این سازندگی، اگر متوجه برآوردن نیازهای مادی و جسمانی اجتماع باشد نام تمدن می‌گیرد و اگر ناظر بر اقتناع نیازهای معنوی و غیراقتناعی و غیرقابل تقویم، نام فرهنگ؛ ولی غالباً این دو باهم پیوستگی می‌یابند. تمدن بیشتر جنبه عملی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ذهنی و معنوی را دارا است و فلسفه و حکمت و ادبیات و اعتقادات، در قلمرو فرهنگ هستند، درحالی‌که تمدن بیشتر ناظر بر رفع حوائج مادی انسان در اجتماع است، معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت است. با ایجاد فرهنگ، نظامی پیدا شد که درصدد ایجاد تعادلی بین خواسته‌های فردی و خواسته‌های اجتماعی بود. این نظام که روابط متقابل انسان‌ها را مشخص می‌کند و فرهنگ را گسترش می‌دهد بر بنیان یک سیستم ارزشی بنا شده است و این سیستم در طول زمان ثابت نیست. آنچه ما از آن به‌عنوان سبک معماری نام می‌بریم در واقع نموداری مجسم از این ترتیب است که با تغییر کردن تناسب بین ایدئولوژی دانش و هنر، سبک نیز تغییر می‌کند. از اینجا می‌توان به میزان اهمیت تأثیر فرهنگ بر معماری و سبک‌های ناشی از آن پی برد. باید توجه داشت که معماری صرفاً یک عمل ساختمان‌سازی نیست بلکه یک عمل فرهنگی در آن مستتر است که توسط نمادها و عناصر ذهنی و عینی رابط بین اندیشه و جامعه است. هنر معماری از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نمایشگر

گویای فضای زیست آدمی است. این هنر در گذشته تابع اصول و ضوابط کمابیش معین و شناخته‌شده‌ای بود و پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ جامعه و الگوهای رفتاری ما داشت. به همین دلیل سبک معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شد اما در دو قرن حاضر خصوصاً در قرن اخیر رشته‌های استوار بین مظاهر و جلوه‌های زندگی با فرهنگ جامعه از هم گسیخته شد و در نتیجه روندی که از مظاهر تمدن و فرهنگ غرب اقتباس شده و روزه‌روز گسترده می‌شد، معماری سنتی نیز از حرکت بازایستاده و در بسیاری از عرصه‌ها، نیز پیش از آنکه فرصت و امکان انطباق با فناوری و شرایط جدید را بیابد، مورد بی‌توجهی قرار گرفت. معماری و شهرسازی در جهان به‌سوی آن رفته است که از ارزش‌ها و فرهنگ محلی بهره‌گیری کند. بنابراین ما نیز باید با کناره گذاشتن تقلید کورکورانه و سطحی در زمان خود از این جنبه و استفاده از ارزش و فرهنگ محلی خود بهره‌گیری کنیم، جهانی فکر کنیم و محلی عمل کنیم. بهره‌گیری از ارزش و سنت‌ها و استفاده از معماری و شهرسازی سنتی ما، یک عمل فرهنگی است که ابتکار، البته برداشت مستقیم از عناصر آن نیست بلکه باید به‌گونه‌ای باشد که عمل ما حرفی برای گفتن در سطح جهان امروز داشته باشد. در این کار باید به غور و تفحص در معماری سنتی خود پردازیم. فضاها، ترکیب عناصر معماری، استقرار و شکل‌گیری آن در محیط، برخورد آن با اقلیم و عناصر هم‌جوار، سایه‌روشن‌ها، پر و خالی، ترکیب مصالح و رنگ‌ها، آرامش‌ها و هیجان‌ها، هزاران نکته باریک‌ترازموی دیگر هستند که باید عاشقانه به سراغ آن‌ها رفت تا به شناخت آن‌ها نائل آمد. در این جستجو از «هویت» باید گفت که از ایده آل فضایی و کمال مطلوب حکایت می‌کند که مقبول گذشته بوده است، کمالی که از جستجو تاریخ جدا افتاده و راه دیگر می‌رود، از آنجاست که فرهنگ امروز مغشوش و مبهم شده است. امروز که در شهرسازی و معماری جهان، از توسعه پایدار، صرفه‌جویی در انرژی و از رعایت مسائل محیطی صحبت می‌رود باید ارزش‌های والای معماری و شهرسازی سنتی خود را بشناسیم؛ زیرا معماری و شهرسازی ما خاستگاه این آرزوها و اهداف جهانی است.

شناخت و تعریف موزه

موزه موسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان گشوده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. موزه در ساده‌ترین شکل تعریف، عبارت است از بنایی جهت گردآوری مجموعه‌ای از اشیاء به‌منظور تحقیق و بررسی و بهره‌گیری. موزه یک

واحد تحقیقاتی، فرهنگی، هنری و آموزشی است که میراث‌های کشور در آن به شیوه علمی و فنی، نگهداری، مطالعه و معرفی می‌شوند. در قرون وسطی موزه، به مکانی گفته می‌شود که در آن مجموعه‌هایی از اشیاء کمیاب و جالب تاریخ طبیعی یا هنری ادوار گذشته را به نمایش درمی‌آوردند. حاکمیت کلیسا موجب گشت که موزه مکان جمع‌آوری اشیاء متبرک و مذهبی گردد. موزه‌ها به‌عنوان مؤسساتی که در جوامع نوین وظیفه یافته‌اند اشیائی را که به خاطر ارزش فرهنگی‌شان گرمی داشته می‌شوند تا سرحد امکان از ویرانی و زوال مصون بدارند، شناخته شده‌اند. موزه‌ها در قبال این اشیاء همان نقش را ایفا می‌کنند که کتابخانه‌ها در برابر کتب و بایگانی‌ها در قبال اسناد رسمی. جامعه این اشیاء را نه به خاطر احتکار، بلکه به‌منظور بهره‌گیری از آن‌ها محفوظ می‌دارد. موزه علاوه بر نگهداری اشیاء هویت آن‌ها را نیز شناسایی می‌کند و این سرآغاز شناخت یک شیء و برقراری ارتباط با آن است. این ارتباط سبب می‌شود که افکار بازدیدکننده از محیط خود به دور دست سفر کند. موزه مجموعه را چنان در معرض نمایش قرار می‌دهد که بازدیدکننده علاوه بر تفرج خاطر به‌سوی بهره‌گیری علمی نیز هدایت شود. موزه، نمایشگاه آثار و محلی برای دیدن میراث فرهنگی یک کشور است با رویکردی باستان‌شناسانه از زمان، مکان، انسان و هر موضوع دیگری که می‌تواند باشد. به‌عبارتی دیگر موزه، جایگاه حضور آدمی در حقیقت، از راه معرفت آثار است.

معماری موزه

در ده سال اخیر موزه‌های بسیاری و البته نوین در دنیا بنا شده، موزه‌های قدیمی نیز مرمت و بازسازی شده است. مجموعه‌های هنری موزه‌ها متعدد گردیده و نیاز به موزه‌های جداگانه بوده است. امروزه، موزه‌ها فقط برای نشان دادن اشیای هنری نیست و به همین جهت موزه‌های تخصصی مانند موزه‌ی سینما، موزیک، علوم، تاریخ و... بنیان شده است. اخیراً سعی بر آن است که موزه‌هایی طراحی و ساخته شوند که از نظر مصرف انرژی اقتصادی و فناوری نگهداری از کلیه سیستم‌های مجهز حداکثر استفاده را ببرند. نتیجه آنکه یک کار معماری موفق در موزه، ترکیب هنر و عملکرد صحیح است. اکنون سال‌های طلایی معماری موزه‌ها در دنیا است. کارهای معماری موزه‌ها در جهان با تفکر بیشتر انجام می‌گیرد. موزه‌های جدید به نحوی طراحی می‌شوند که تعداد بیننده بیشتری را بپذیرند و کشش بیشتری را ایجاد کنند و همین‌طور توجه بیشتری را به خود جلب کنند. موزه همیشه مرکز فرهنگی و تحقیق بود. ولی اکنون علاوه

بر آن مرکز گردهمایی، یادگیری فرهنگی- هنری، مرکز فروش اشیای ساخته و یا چاپ‌شده موزه‌ها و همچنین شامل بوتیک، آمفی‌تئاتر، رستوران و به‌کارگیری بیشتر فناوری صوت و تصویر است. بیشتر معماران برای نشان دادن قدرت خلاقه خود علاقه‌مند به طراحی موزه‌ها هستند. به خاطر اینکه در طراحی معماری موزه‌ها امکان نوآوری و خلاقیت هنری بیشتری نسبت به ساختمان‌های دیگر وجود دارد و معماری ارزش هنری بیشتری را دارد. در معماری جدید موزه‌ها، حجم خارجی موزه اهمیت زیادی دارد و تنها کاربری داخلی آن نیست که مورد توجه قرار می‌گیرد و مردم نیز غیر از اشیای موزه‌ای به معماری آن و معماری داخلی آن هم توجه بیشتری پیدا کرده‌اند.

بررسی نمونه موردی

موزه هنرهای معاصر تهران (شکل ۲)؛

نوع اثر: موزه؛

محل ساخت: تهران؛

سال ساخت: ۱۳۵۶-۱۳۵۴؛

معمار: کامران طباطبایی دیبا.



شکل ۲- پرسپکتیو بیرونی موزه هنرهای معاصر تهران،

(مأخذ: www.online-farsicad.com)

برای تحلیل و بررسی همه‌جانبه موزه هنرهای معاصر (شکل ۲)، نیاز مبرمی است که قبل از هر نقدی در رابطه با این موزه ابتدا با مبانی نظری و تفکرات معمار این بنا آشنا شد تا داوری بهتری نسبت به این بنا داشته باشیم. کامران طباطبایی دیبا معمار، شهر ساز و نقاش متولد سال ۱۳۱۷ ه.ش تهران فارغ‌التحصیل رشته معماری و شهرسازی دانشگاه هاروارد واشنگتن ۱۹۶۳ م، از معماران صاحب سبک در معماری مدرن و معاصر ایران است که همه‌ی علاقه‌مندان به هنر، در این سرزمین، با ساخته‌های معروف او (موزه هنرهای معاصر تهران، فرهنگسرا و پارک نیاوران، فرهنگسرا و پارک شفق و...) آشنا هستند.

ویژگی آثار کامران دیبا

و رواق نیز استفاده می‌کند. بام‌ها عموماً مهم هستند و در موزه هنرهای معاصر ویژگی اصلی فرم بیرونی را تشکیل می‌دهند (شکل ۳). عناصر سنتی استریلیزه شده به‌عنوان عناصر حجمی مجرد، باحال و هوای متفاوتیک در کار داخل می‌شوند. دیبا به جزییات ساختمان و آرایش سطوح توجه دارد و جزییات کارهایش کاملاً هنرمندانه‌اند. تزیینات پرداخت‌نشده‌اند و مصالح نیز به‌گونه‌ای طبیعی و پرداخت‌نشده به‌کاررفته‌اند.

عناصر مشترک به‌کاررفته در آثار کامران دیبا

عناصری که در کارهای دیبا حضور بارزی دارند عبارت‌اند از آب، دیوار، حیاط و دروازه. برای وی دیوار یک نوع حجاب و پوشش است و دروازه اعلام یک آغاز. آب نمادی از زندگی و صفا و حیاط ریه و نفس‌کش. نحوه به‌کارگیری این عوامل آثار دیبا را به فرهنگ بومی نزدیک و مرتبط می‌سازد. دیبا بیشترین توجهش به ذات انتزاعی و عملکرد معماری است که حضور آن را در معماری کوچه و خیابان و ابنیه غیررسمی جستجو می‌کند. یکی از عوامل قابل‌توجه در آثار وی دیوار سازی است. آرایش ساختمان‌های وی توسط دیوار است. فضاها در کار دیبا دارای سلسله‌مراتب دقیق و مفصل‌بندی‌های مشخص هستند. هر واحد فضایی از شکل و عملکردی متمایز برخوردار است. این یکی دیگر از وجوه مشترک کارهای دیبا با معماران مکتب نئوپروتالیسم است. در کارهای او فضاهای سیال و پیوسته مدرن آغازین که با سطوحی ظریف تفکیک شوند به چشم نمی‌خورند. ساختمان‌های او ترکیبی از فضاهای متعدد با فرم‌ها و اندازه‌های مختلف هستند. از آنجایی که فضا برخلاف حجم پدیده‌ای ماهیتاً ادراکی است که مکانیسم کشف فضا وابسته است. دیبا در اکثر کارهایش و به‌طور بارز در موزه هنرهای معاصر نشان داده است که از طریق افزایش امکانات کشف فضا در محدوده‌ای سه‌بعدی می‌توان به جذابیت و غنای فضای داخلی افزود.



شکل ۳- دید از حیاط مرکزی موزه هنرهای معاصر تهران، (مأخذ: www.fariba_azimi.blogfa.com).

- ۱- حفظ سکوت، سکون و وقار در تمام کارهایش؛
- ۲- تأکید بر محورها در طرح‌های معماری و شهرسازی؛
- ۳- شکست پی‌درپی مسیرها و محورهای بصری؛
- ۴- توجه به جزییات و آرایش سطوح؛
- ۵- اکثر طرح‌هایش از مونتاژ احجام نسبتاً ساده به وجود آمده‌اند که در آن‌ها شکاف بازشوها و حجم قابل‌توجه ستون‌ها خودنمایی می‌کند که یکی از وجوه مشترک کارهای او و مکتب نئوپروتالیسم است؛
- ۶- استفاده از آثار هنری حجمی در طراحی فضاهای شهری و محوطه‌سازی و باغ‌سازی؛
- ۷- گرایش مسلط به درآمیختگی خصوصیت معماری ایرانی با معماری مدرن (مشخصه‌ی اصلی تمامی بناهای ساخته‌شده توسط دیبا که به آن جنبه‌ی الگوسازی بخشیده است).

گرایش‌های فکری و نظری کامران دیبا

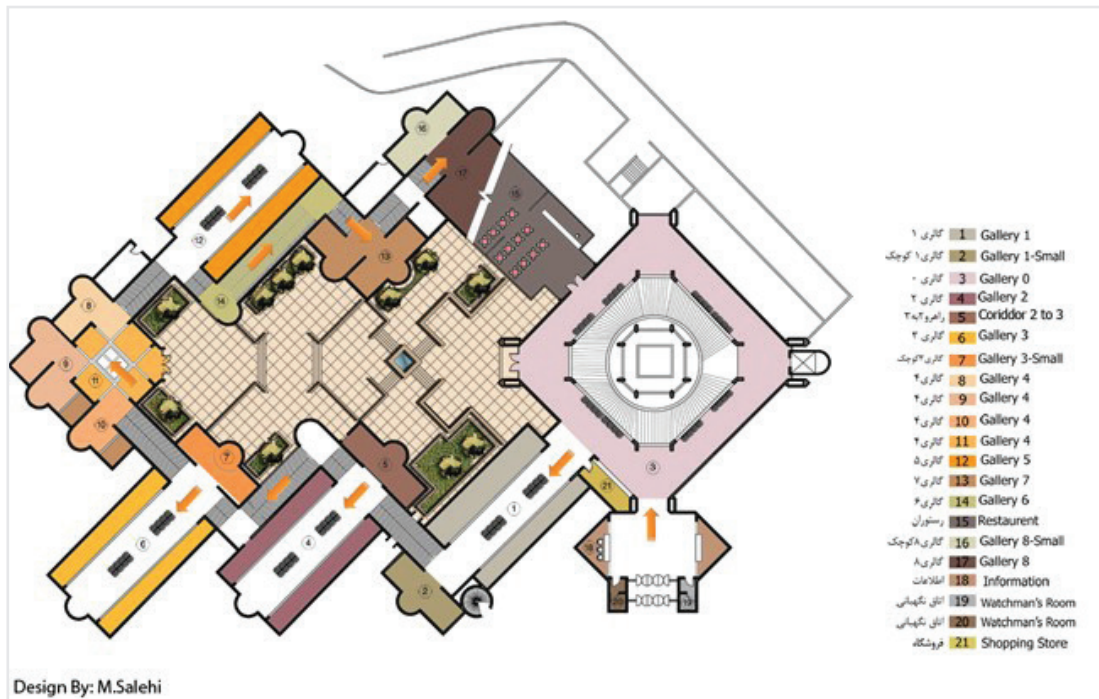
- ۱- علاقه‌ی او به وجوه اجتماعی معماری یا به تعبیر خود او (معماری انسانی)؛
- ۲- علاقه و احترام به سنت‌های بومی و الگوهای ساختاری و همچنین نیازهای جامعه شهری مدرن برای رسیدن به آسایش
- ۳- عدم تصرف محیط برای ایجاد مکان
- ۴- درآمیختگی کارهای او با محیط اطراف خود که باعث شده است که کارهایش در عین بدیع بودن غریب و بیگانه نباشد
- ۵- بهره‌گیری از الگوهای معماری ایران به شیوه‌های اصیل و منحصر به فرد در کارهایش.

رویکرد کامران دیبا نسبت به فضا

یکی از مشخصه‌های معماری دیبا بهره‌گیری از الگوهای معماری ایرانی به شیوه‌ای اصیل و منحصر به فرد است. در کارهای او بهره‌گیری از تاریخ معماری حسی و منطقی است و جنبه شیوه‌گری ندارد. دیبا بیشتر از اصول سازمان‌دهی و گونه‌شناسی فضای ایرانی استفاده می‌کند تا از عناصر و تزیینات، تأکید بر محورها که هم در طرح‌های شهرسازی و هم در ساختمان‌های او به چشم می‌خورد یکی از این موارد است.

نگرش فرمی کامران دیبا

اکثر طرح‌های دیبا از مونتاژ احجام نسبتاً ساده و تراش‌خورده سخت به وجود آمده‌اند و در آن‌ها شکاف بازشوها و حجم قابل‌توجه ستون‌ها خودنمایی می‌کند. این سلیقه خاص از طرفی به سنت معماری ایرانی و از طرف دیگر به نئوپروتالیسم انگلیسی مربوط می‌شود. او از عناصر معماری ایرانی نظیر گنبد، بادگیر، حیاط، حوض



شکل ۴- بررسی پلان بنا، موزه هنرهای معاصر، تهران، (مأخذ: www.khatetosi.blogfa.com).

بررسی رابطه معماری و فرهنگ در موزه هنرهای معاصر تهران

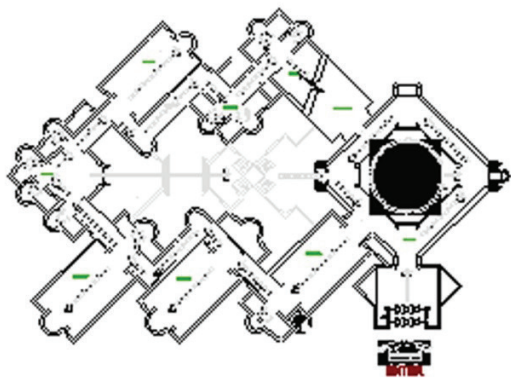
موزه هنرهای معاصر در ضلع شمالی بلوار کشاورز و غرب پارک لاله واقع شده است و در سال ۱۳۵۶، فعالیت فرهنگی و هنری خود را آغاز کرد. این موزه در زمینی به وسعت ۲ هزار مترمربع و پیرامون آن فضایی سبز و زیبا موسوم به پارک مجسمه با تندیس‌هایی ارزشمند از هنرمندان پرآوازه معاصر ایران و جهان قرار گرفته است.

ساختمان موزه هنرهای معاصر تهران به‌مثابه اثری هنری است که هنر معاصر ایران و بخشی از تاریخ هنر مدرن جهان را نمایندگی می‌کند. هشتی، چهارسو، معبر و گذرگاه از جمله عناصر چشم‌نوازی هستند که بازدیدکنندگان هنردوست را به تأمل در هنر و فرهنگ ایران زمین وامی‌دارند. موزه هنرهای معاصر مرکز فعالیت‌ها و رویدادهای مهم هنری ایران در زمینه هنرهای تجسمی به شمار می‌آید. گالری موزه مکان برگزاری نمایشگاه‌های مختلف هنری است. به هنگام برپایی هر نمایشگاه، یک یا دو گالری نیز به نمایش گنجینه‌هایی از هنرمندان بزرگ جهان اختصاص می‌یابد. گویی این مکان فرهنگی خود را برای استقبال و خوشامدگویی به هنرمندان و هنردوستان می‌آراید و زیورهای درخشان دیروز را بر پیکر امروزی خویش می‌نشانند (شکل ۴). موزه هنرهای معاصر، در سال ۱۳۵۶ فعالیت فرهنگی و هنری خود را آغاز کرد و با

تداوم خدمات خود به هنر انقلاب اسلامی، می‌کوشد به هدف‌های آتی دست یابد. تندیس‌هایی زیبا و باارزش از هنرمندان معاصر همچون هنری مور، آلبرتو جیاکومتی و پرویز تناولی فضای سبز اطراف را به پارک مجسمه بدل ساخته است.

معماری منحصر به فرد مدرن این موزه، الهام گرفته شده از معماری سنتی ایران است که مفهومی فلسفی با خود به همراه دارد و با استفاده از طاق‌های مرسوم روستایی و نورگیرهای برگرفته از بادگیرهای کویری طراحی شده است. (شکل ۳) ساختمان موزه از سنگ و بتون ساخته شده و روی هم‌رفته ۸۵۰۰ مترمربع مساحت دارد. طرح مارپیچ داخلی آن از الگویی کاملاً مدرن پیروی می‌کند. این شیوه طراحی هم‌ادای دینی به معماری سنتی است و هم مبین این نکته که تلفیق این دو معماری (الهام از اصول معماری سنتی و مدرن) امکان‌پذیر است. در طراحی موزه هنرهای معاصر دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته که هر دو آن‌ها به درستی انتخاب و مورد بازبینی قرار گرفتند: یکی در محوطه اطراف موزه است یعنی بوستان لاله که فضایی نسبتاً بزرگ است و دیگری مسیر دسترسی به موزه که در کنار یکی از محورهای حرکتی پارک لاله قرار دارد. طراح موزه حیاط مرکزی را انتخاب کرد که علاوه بر اینکه یکی از نشانه‌های معماری ایرانی باشد بتواند به کمک آن فضایی مجزا از بوستان را ایجاد کند. علاوه بر آن با طراحی

وقفه، در آرامش به تماشا بپردازد. در عین حال کارکنان موزه نیز از امنیت در محیط کار برخوردارند و حریم تعریف شده‌ای دارند. در ضمن زوایای دید، به گونه‌ای تدارک دیده شده‌اند که بدون ایجاد ممنوعیت ذهنی برای مخاطب، امکان نظارت را برای نگهبانان گالری‌ها فراهم می‌آورند. نسبت و ترکیبات هندسی موزه در ارتباط با فضای پیرامونی شهر چنان است که توده نسبتاً بزرگی از احجام آشنا را بارنگ‌ها و تناسباتی آشنا، برای هر فرد ایرانی می‌نمایاند. پلان، به شدت تابع مفاهیم تقارن محوری، تقارن مرکزی، ریتم و ساماندهی احجام حول یک حجم خالی مرکزی است. (شکل ۷) در این مقیاس، بنا مجموعه‌ای از پر و خالی‌هاست؛ که در یک خالی بزرگ‌تر (باغ مجسمه) به گونه‌ای جای گرفته که ترکیبی مجسمه وار و لمیده بر لبه خیابان را عرضه کرده و منظری از پارک لاله، پس‌زمینه‌ی آن را می‌سازد.



شکل ۶- بررسی سیر کلاسیون ارتباطی موزه هنرهای معاصر تهران (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی تهران).

دید مناسب از حیاط مرکزی به بوستان، سعی بر برقراری رابطه با بوستان نیز دارد. این رابطه در طراحی داخلی نیز با پنجره‌های دیواری و سقفی حفظ شده است. در دل این بوستان بزرگ محوطه‌ی وسیعی وجود دارد که به دلیل نصب مجسمه‌هایی از هنرمندان نامدار ایرانی و خارجی به «به باغ مجسمه» معروف است و دقیقاً یادآور باغ‌های ایرانی است که از دل تاریخ و اندیشه باصلابت و شکوهمند ایران بیرون آمده است. (شکل ۵) آن‌هایی که با جغرافیای ایران آشنایی دارند به درستی درک می‌کنند که در پهنا و حاشیه کویر، باغ‌هایی با درختان سر به فلک کشیده قد علم کرده‌اند و درون هر یک از باغ‌ها، عمارات یا بناهایی ساخته شده که کام و دل ساکنانش را با پیچش نسیم به بار نشسته درون بادگیرها، هشتی، چهارسو و معبر همراه می‌کند. سطح کلی دیوارهای موزه که مساحتی بالغ بر ۲۵۰۰ مترمربع را تشکیل می‌دهد شامل ۹ گالری کوچک و بزرگ و دارای تجهیزات کامل جهت نمایش آثار هنری است. این موزه یکی از فعال‌ترین و پربارترین مراکز فرهنگی و هنری در تهران است که در بافت شهری نمودی بسیار زیبا و خوشایند دارد.



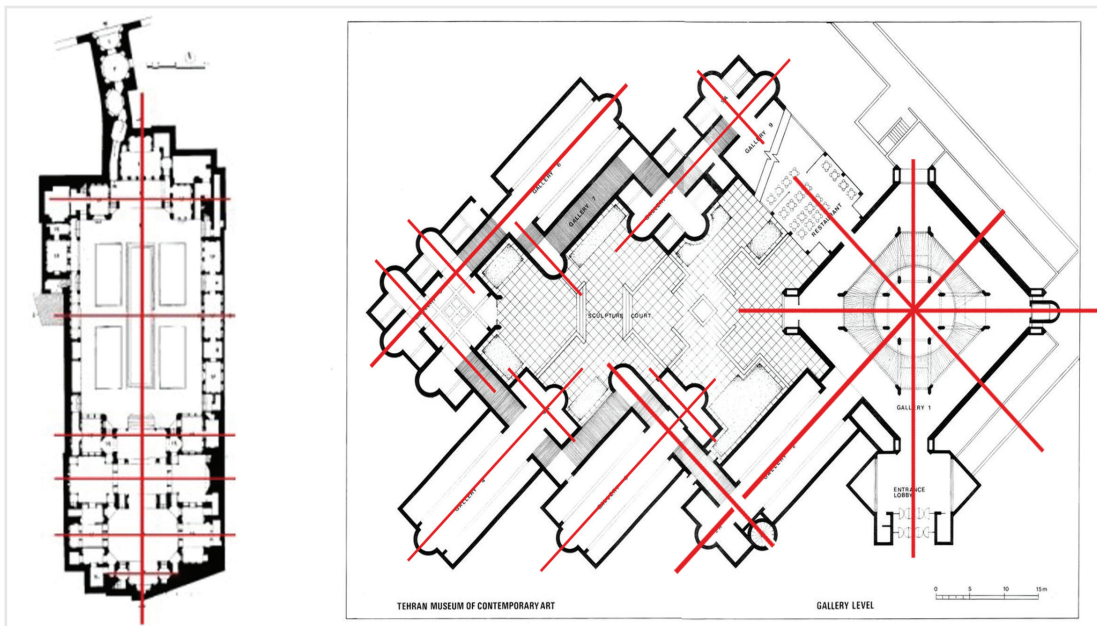
شکل ۵- پارک مجسمه، موزه هنرهای معاصر، تهران. (مأخذ: نگارندگان).



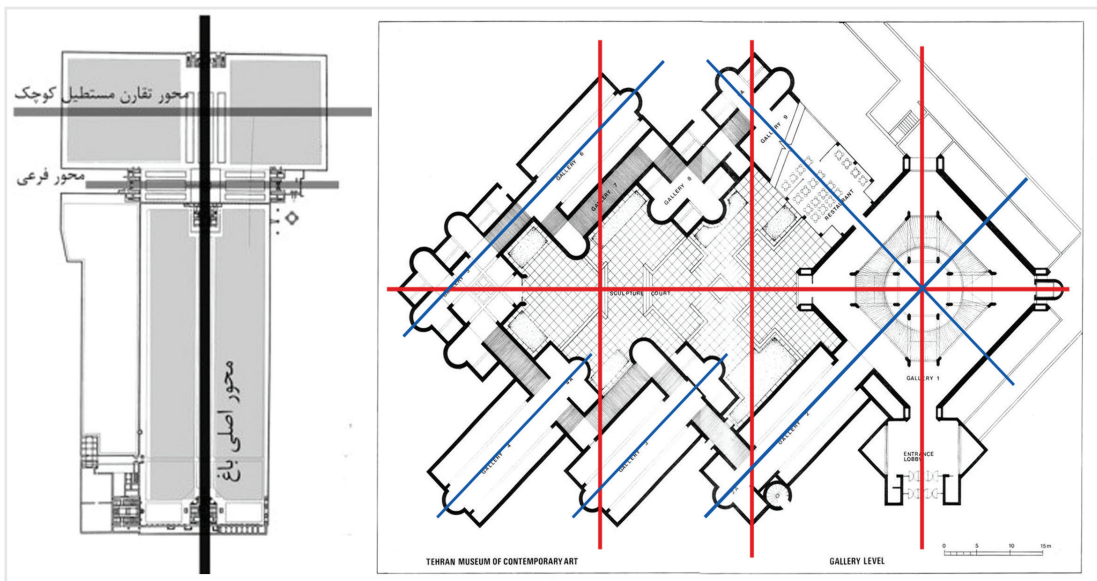
شکل ۷- محورهای موجود در طراحی، موزه هنرهای معاصر، تهران. (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی تهران).

تحلیل در مقیاس کلان

موضوع اصلی تحلیل بنا در این مقیاس، کاربرد فضا و شیوه طراحی هندسه‌ی فضا است. (شکل ۶) در این مقیاس کاربری موزه به عنوان محلی برای نمایش آثار هنری معاصر تحلیل می‌شود و کلیت این کاربری، از طریق مطالعه‌ی اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن (بخش‌های اصلی، بخش‌های اداری، رفاهی و ...) بررسی می‌شود. از سویی دیگر، نسبت و ترکیبات حجمی موزه در ارتباط با فضاهای تشکیل‌دهنده آن، مطالعه می‌شوند. از این منظر الزامات کاربردی موزه، به دقت از نظر چیدمان فضایی پاسخ‌داده شده و مخاطب می‌تواند بدون ایجاد تداخل و



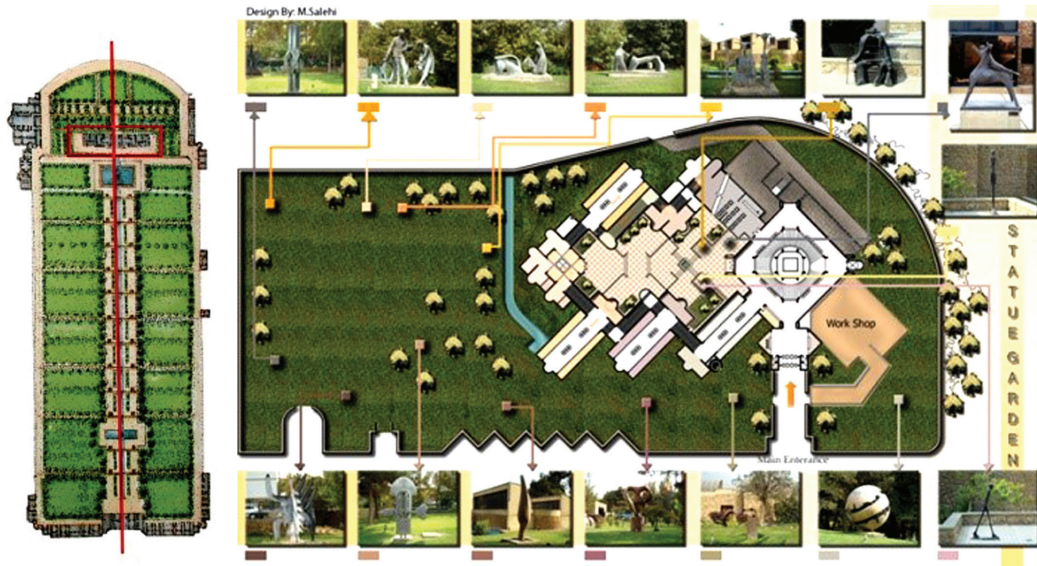
شکل ۸- بررسی تقارن در موزه هنرهای معاصر و یک بنای سنتی (خانه بروجردی‌ها) به‌عنوان نمونه. (مأخذ: نگارندگان)



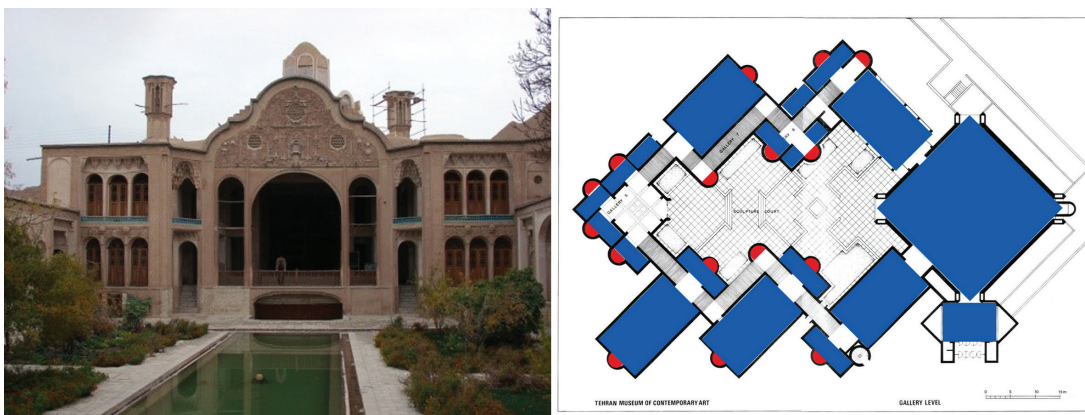
شکل ۹- بررسی محوربندی در موزه هنرهای معاصر و یک بنای سنتی به‌عنوان نمونه. (مأخذ: نگارندگان)

بهره‌گیری از محورهای اصلی و فرعی در طراحی پلان از جمله موارد به‌کاررفته در بناهای سنتی و فرهنگ ایرانی-اسلامی است به‌نحوی که در اکثریت بناهای سنتی ایران زمین، شاهد این موضوع هستیم. (شکل ۹) طراحی باغ مجسمه، بهره‌گیری دیبا از باغ و ادغام مجموعه با فضای سبز باغ نیز یادآور باغ ایرانی و کوشک درون آن است که بازهم به بازخوانی فرهنگ ایرانی می‌انجامد.

با قرائت پلان بام مجموعه خواهیم دید احجامی که معمار برای طراحی بنا در نظر گرفته است، دارای تقارن هستند (تقارن در جز). به‌عنوان نمونه می‌توان حجم گالری شماره ۱، ۲، ۳ و ۴ را مثال زد که در شکل ۸ دیده می‌شود. بهره‌گیری از مفهوم تقارن در طراحی پلان به نحوی یادآور بناهای سنتی ایران است و بازگوکننده‌ی فرهنگ و سنت ایرانی است.



شکل ۱۰- بررسی باغ در موزه هنرهای معاصر و یک بنای سنتی (باغ شاهزاده ماهان) به‌عنوان نمونه. (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۱۱- بررسی شکل اجزاء در موزه هنرهای معاصر و یک بنای سنتی (خانه بروجردی کاشان) به‌عنوان نمونه. (مأخذ: نگارندگان)

دایره‌ای موجود در پلان، فرم پنجره‌های سنتی یادآوری می‌شود و بیننده را به یاد فرهنگ ایران می‌اندازد. اگرچه این مورد با حرکت در فضای بنا به‌راحتی حس نمی‌شود بلکه با مشاهده‌ی پلان و بادید پرنده از بنا، این مورد

(شکل ۱۰) از دیگر عوامل تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی در طراحی موزه‌ی هنرهای معاصر می‌توان به بهره‌گیری از فرم سنتی پنجره‌ها در پلان اشاره کرد. با مشاهده‌ی حرکت‌های نیم



شکل ۱۲- ارتباط بین فرم، سنت و فرهنگ (مأخذ: نگارندگان)

قابل درک تر است. (شکل ۱۱)

دبیا اگرچه بنایی بدیع خلق کرده است اما به نحوی از عناصر و مفاهیم سنتی ایران بهره جسته که یادآور معماری سنتی ایرانی شده است. با یادآوری معماری سنتی به طور ناخودآگاه فرهنگ ایران زمین بازخوانی می شود و در ذهن بازدیدکننده تجلی می یابد. (شکل ۱۲) دبیا با طراحی ویژه خود، بین بنا و فرهنگ جامعه ای که بنا در آن قرار دارد ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده است. این ارتباط در مقیاس کلان (در ارتباط با شیوه طراحی هندسه ای فضا) چنانچه ذکر شد، شامل تقارن در اجزای پلان، محوربندی اصلی و فرعی در پلان، بهره گیری از شکل های مربع و نیم دایره در طراحی پلان و ادغام مجموعه با باغ است. (جدول ۲)

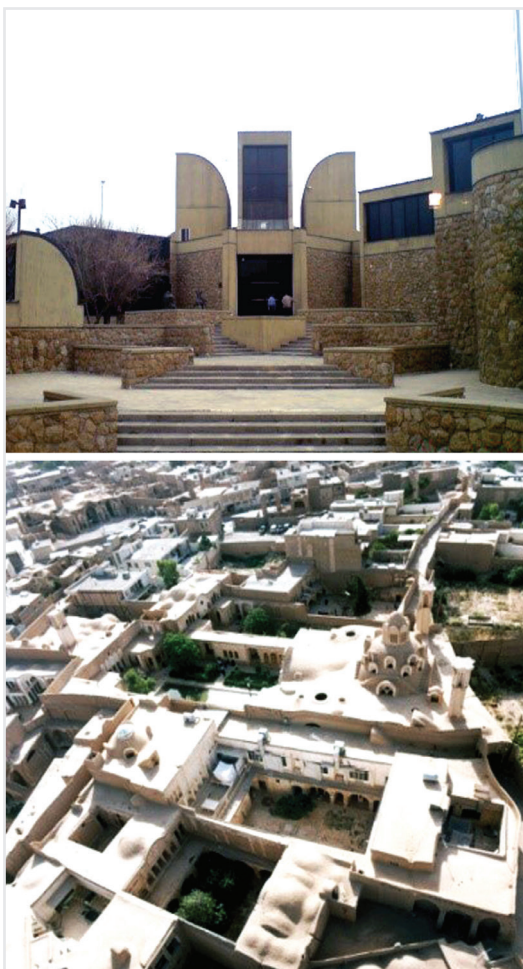
جدول (۲) - بررسی تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر موزه هنرهای معاصر تهران در مقیاس کلان، (منبع: نگارندگان)

ردیف	ویژگی	موزه هنرهای معاصر	بنای سنتی	ویژگی فرهنگی
۱	تقارن	تقارن در جزء	تقارن در کل و جزء	همسانی
۲	محوربندی	محور اصلی و فرعی	محور اصلی و فرعی	نظم
۳	شکل نیم دایره	در پلان	در نما	حرکت و پویایی
۴	ادغام با باغ	باغ مجسمه	باغ ایرانی	نشاط و سرزندگی

تحلیل در مقیاس خرد

در مقیاس خرد نحوه ترکیب اجزای سازنده بدنه ها، شکل ستون ها، جزئیات سقف ها، مصالح مورد استفاده در سقف و کف و دیوارها، نوع بدنه سازی (بتون اکسیپوز با اثر قالب بندی های چوبی بر آن) باید مورد مطالعه قرار گیرند. این بار، با قاطعیت و صراحت معمار در آفرینش اثری روبرو می شویم که بسیار متأثر از فلسفه معماری مدرن به نظر می رسد. بتون، شیشه، مجسمه، حرکت در فضا و دریافت احساس های گوناگون در هر لحظه و در عین حال وضوح

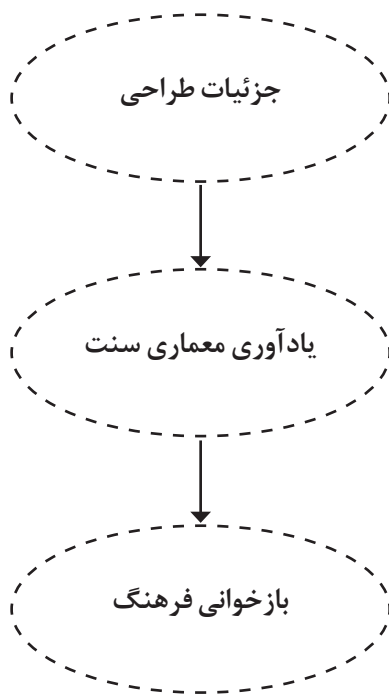
کالبد و رک بودن زبان معماری ویژگی هایی هستند که از یک سده پیش به این طرف مدام تجربه می شوند. ارتباط موزه هنرهای معاصر با فرهنگ ایرانی در مقیاس خرد (نحوه ترکیب اجزاء سازنده بدنه ها، جزئیات، مصالح و...) در مواردی نظیر به کارگیری رنگ خاکی، نورگیری های ربع دایره ای، لابی ورودی (هشتی)، گالری شماره ۱ (چهارسو مانند)، راهروهای پرپیچ و خم، بهره گیری از فرم پنجره سنتی در پلان است. (جدول ۳) چنانچه بافت سنتی ایرانی را از ذهن بگذرانیم، به یاد خواهیم آورد که رنگ غالب آن (به دلیل استفاده از خاک و کاه گل) خاکی رنگ است. درست همانند رنگ بکار رفته در موزه های هنرهای معاصر. ویژگی مذکور تداعی کننده ای این است که این مجموعه (موزه هنرهای معاصر) در این آب و خاک ریشه دارد و در عین بدیع بودن، هم جنس و هم نوع با سایر بناهای این مرزوبوم است. (شکل ۱۳)



شکل ۱۳ - مقایسه رنگ موزه هنرهای معاصر و بافت سنتی کاشان به عنوان نمونه. (مأخذ: نگارندگان) ۶



شکل ۱۴- مقایسه‌ی نورگیرهای موزه هنرهای معاصر با بادگیرهای ناحیه کویری (بادگیر چپقی سیرجان کرمان).
(مأخذ: نگارندگان)



شکل ۱۵- ارتباط بین جزئیات، سنت و فرهنگ (مأخذ: نگارندگان)

اثر دیبا، اثری نمادین و استعاره ایست و با اشاره‌ای کوچک، دنیایی از معنا و مفهوم را بیان می‌کند. به‌عنوان مثال نورگیری‌های ربع دایره‌ای موزه هنرهای معاصر از بادگیرهای ناحیه‌ی کویری ایران الهام گرفته‌شده است و نوع و سبک زندگی و فرهنگ مردم این ناحیه را در ذهن تداعی می‌کند. (شکل ۱۴)

ورودی مجموعه نیز به‌نوبه‌ی خود بیان‌کننده‌ی فرهنگ ایرانی است و حس دعوت‌کنندگی که ایجاد می‌کند همچون بنای خانه‌های سنتی به نحوی است که فرد را با آغوشی پذیرا می‌شود و از وی استقبال می‌کند.

از جمله موارد دیگر تأثیر فرهنگ ایرانی در موزه‌ی هنرهای معاصر نحوه‌ی مکث و حرکت در گالری شماره ۱ است. به‌نحوی که چهارسوی ایرانی را یادآوری می‌کند و فرد با قرارگیری در آن به‌صورت ناخودآگاه، خاطرات خویش را از چهارسو به یاد می‌آورد و در ذهن خویش عبور و مرور و حرکت مردم در چهارسو تداعی می‌شود.

چنانچه مشاهده شد، جزئیات طراحی نیز همانند فرم کلی بنا می‌تواند یادآور معماری سنتی ایران باشد و فرهنگ را زنده نگه دارد. از این‌رو بین جزئیات طراحی موزه هنرهای معاصر و فرهنگ ایرانی ارتباط تنگاتنگی برقرار است. (شکل ۱۵)

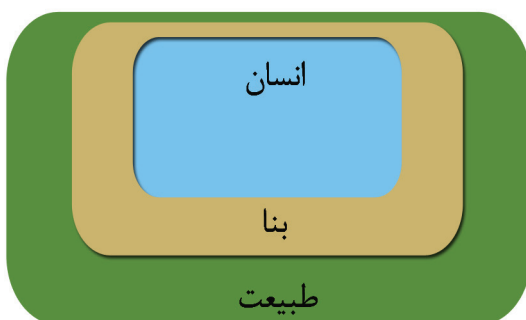
جدول ۳- بررسی تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر موزه هنرهای معاصر تهران در مقیاس خرد، (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	ویژگی	موزه هنرهای معاصر	بنای سنتی	ویژگی فرهنگی
۱	رنگ	خاکی-کرمی	خاکی-کاهگلی	تواضع
۲	فرم ربع دایره	در نورگیرها	در بادگیرهای حاشیه‌ی کویری	معنویت
۳	حس دعوت‌کنندگی	لابی ورودی	ورودی	مهمان‌پذیری
۴	فضای تقسیم	گالری شماره ۱	چهارسو	احترام گذاشتن

تحلیل در مقیاس میانی

(دادن حق انتخاب به بازدیدکننده)، سلسله‌مراتب (رمپ با حرکت مارپیچی و آرام به زیرزمین) است. (جدول ۴)

در مقیاس میانی، کالبد، طبیعت و انسان باهم و به همراه هم در نظر گرفته می‌شوند. کالبد و طبیعت کار، حاصل فکر و شیوه‌ی طراحی معمار است و انسان، همان مخاطب است که در سفر آفرینش فضا با معمار همراه می‌شود. به این ترتیب، هر آنچه در مورد جزئیات طراحی معماری، در مقیاس خرد قابل بررسی است و هر آنچه با نگرش بزرگ مقیاس به معرفی و شیوه‌ی معماری و نحوه حل و فصل ارتباطات حجمی بین کاربری‌های مختلف در یک کاربری اصلی (در اینجا موزه) منجر می‌شود، در هم می‌آمیزند تا معرف فضا، به‌عنوان محلی باشند که امکان گفتگوی دو انسان را فراهم می‌آورد که یکی سازنده بنا و دیگری کاربر فضا است. در موزه هنرهای معاصر تهران، مخاطب، مدام از فضا متأثر می‌گردد و در لحظاتی هم پاسخ‌هایی قطعی، مبنی بر وجود حق انتخاب خود به‌عنوان انسانی که کاربر فضاست، به معماری می‌دهد.



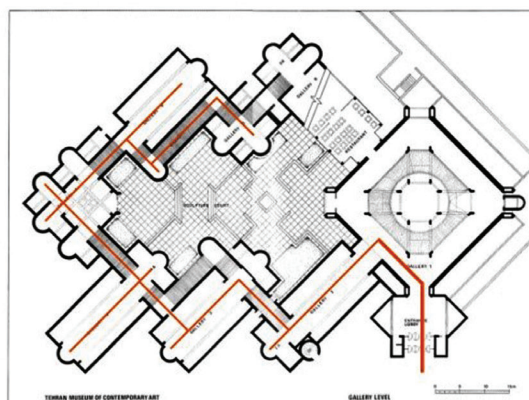
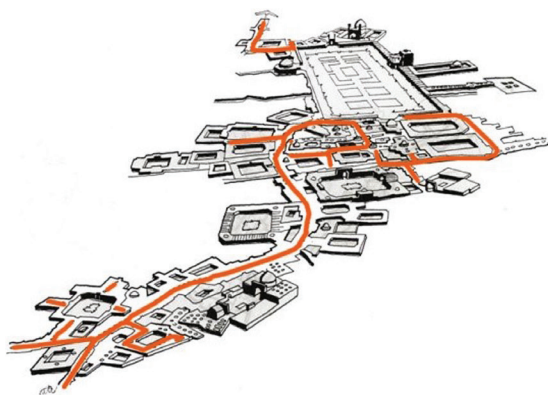
شکل ۱۶- ارتباط انسان، بنا و طبیعت (مأخذ: نگارندگان).

چنانچه معابر و گذرهای بافت‌های سنتی ایرانی را از ذهن بگذرانیم، کوچه‌های باریک و پرپیچ‌وخم را به یاد می‌آوریم که فرد در آن حس آرامش و آسایش را تجربه می‌کند. شکل ۱۷ نشان می‌دهد که کامران دیبا نیز زمان طراحی موزه هنرهای معاصر این خاطرات را

ارتباط موزه هنرهای معاصر با طبیعتی که بنا جزئی از آن است و همچنین انسانی که درون بنا و طبیعت قرار می‌گیرد (شکل ۱۶) به نحوی است که یادآور مواردی نظیر معابر و گذرهای بافت‌های سنتی ایران (راهروهای پرپیچ‌وخم)، باغ ایرانی (ادغام مجموعه با باغ)، چهارسو

جدول ۴- بررسی تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر موزه هنرهای معاصر تهران در مقیاس میانی. (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	ویژگی	موزه هنرهای معاصر	بنای سنتی	ویژگی فرهنگی
۱	گذر پریپچ	راهروهای پریپچ و خم	معاور باریک و پریپچ بافت سنتی	آسایش اقلیمی و درون‌گرایی
۲	ادغام با باغ	باغ مجسمه	باغ ایرانی	نشاط و سرزندگی
۳	فضای تقسیم	گالری شماره ۱	چهارسو	احترام گذاشتن
۴	سلسله‌مراتب	رمپ اصلی، گالری‌ها	از ورودی تا درون مجموعه	نظم و محرمیت



شکل ۱۷- مقایسه راهروهای پریپچ و خم موزه هنرهای زیبا با کوچه‌های بافت سنتی (مأخذ: نگارندگان).

که در چهارسو قرار می‌گیرد، حق انتخاب مسیر دارد (فرهنگ احترام‌گذاری به افراد). در گالری شماره ۱ نیز به همین صورت است که فرد جهت حرکت خود را انتخاب می‌کند. سلسله‌مراتب فضایی و تأثیر روانی حاصل از آن از جمله مواردی است که در بناهای سنتی و فرهنگ ایرانی وجود دارد و در بناهای مورد بحث نیز شاهد آن هستیم. بنای موزه‌ی هنرهای معاصر نه تنها در فرم کلی و جزئیات طراحی بنا از فرهنگ ایرانی بهره‌جسته؛ بلکه در رابطه‌ای که بین کل مجموعه و انسان برقرار می‌شود نیز تأثیر دارد. ارتباطی که انسان با موزه هنرهای معاصر و باغ مجسمه‌ی آن برقرار می‌کند، یادآور معماری سنتی ایران است و فرهنگ ایرانی را تداعی می‌کند.

از ذهن خویش گذرانده و سعی در یادآوری خاطرات بازدیدکنندگان از کوچه‌ها و گذرهای پریپچ و خم داشته است.

باغ ایرانی که مجموعه ایست از فضای سبز و کوشکی در میان فضای سبزی، از دیگر مواردی است که متأثر بودن موزه هنرهای معاصر از فرهنگ ایرانی را ثابت می‌کند. در موزه هنرهای معاصر ادغام مجموعه مذکور را با باغ مجسمه شاهد هستیم که یادآور باغ‌های زیبای ایرانی است. (شکل ۱۰)

چنانچه در قسمت تحلیل در مقیاس خرد، در رابطه با گالری شماره ۱ گفته شد، این فضای موزه یادآور چهارسو است. در این بخش به نوع ارتباطی که بین فضا با انسان درونش برقرار می‌کند، توجه می‌شود. فردی



شکل ۱۸- ارتباط بین جزئیات، سنت و فرهنگ. (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه

مکث‌ها، گردش‌ها، بلندی و کوتاهی فضاها، روشنایی‌ها و تاریکی‌ها، روزن‌ها و دیوارها، همه و همه بیننده را مخاطب خود قرار می‌دهند و با او در بازدید از آثار هنری موزه همراه می‌گردند.

موزه هنرهای معاصر تهران ساختمانی پست‌مدرنیستی است که با بهره‌گیری از عناصر معماری کهن ایرانی به صورت مینیمالیستی خودنمایی می‌کند. در کل باید گفت که این بنا از ویژگی‌های فضای معماری ایرانی الگو گرفته است و کامران دیبا کیفیت و هویت فضا را در نوع استفاده کاربر و ارتباطی که کاربر با فضا برقرار می‌کند می‌بیند و معتقد به طراحی‌ای نیست که طراح با طراحی خاص فضا، نوع استفاده از فضا و رفتار مخاطب را می‌سازد، بلکه معتقد به این است که رفتار مخاطب فضا را می‌سازد و طراح باید با توجه به این رفتار فضای مورد پاسخگو به این رفتار را، طراحی کند.

موزه هنرهای معاصر ایران، به‌عنوان اثری درخور تعمق و تأمل مطرح است و می‌تواند مقدمه‌ای بر تلفیق ویژگی‌های معماری مدرن و دست‌مایه‌های اصلی معماری ناب ایرانی باشد.

این اثر، حاصل هم‌نشینی مفاهیمی است که از یک‌سو با اصل و درون‌مایه نگرش مدرن در معماری پیوند دارند و از سوی دیگر، به عمیق‌ترین لایه‌های تفکر معماری ایرانی مرتبط هستند. در این بنا ترکیبات دوبعدی (پلان‌ها و نماها) و سه‌بعدی احجام، استقلال نظر معمار بایانی روشن و گویا به مخاطب گفته می‌شود، همان‌گونه که در جزئیات طرح، استفاده از متداول‌ترین مصالح ساختمانی دنیای مدرن (شیشه و بتن اکسپوز) با قاطعیت کامل عرضه‌شده و اثر معماری را به‌عنوان نمونه‌ای از هنر معماری مدرن مطرح می‌کند. حرکت‌ها،

پی‌نوشت‌ها

۱. Thang
۲. Educat, education
۳. Edure
۴. تاکنون قریب به ۴۰۰ تعریف برای فرهنگ شده است.
۵. Edward Burnett Tyor
۶. منبع استفاده‌شده برای عکس بافت سنتی سایت: <http://imna.isfahan.ir/images/docs/000078/n00078154-t>.
منبع عکس موزه هنرهای معاصر سایت www.panoramio.com است.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: انتشارات آگاه.
- امامی، صابر (۱۳۸۸). حافظ و هویت فرهنگی. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۳. صفحات ۶۷-۸۵.

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن (ج ۲). تهران: سخن.
- پاپای یزدی، محمد و مهدی سقایی (۱۳۸۶). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). تهران: انتشارات سمت.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). فرهنگ پیشرو فرهنگ پیشرو. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. چاپ چهارم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ویرایش دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ تهران.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی). جغرافیا و توسعه. شماره ۲. صفحات ۹۵۰ تا ۱۰۸.
- شمس، مجید و نصیره امینی (۱۳۸۸). ارزش شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی. سال اول، شماره ۴. صفحات ۸۱-۹۳.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات). تهران: نشر دفتر وزارت فرهنگ و ارشاد.
- صفحی، محمد (۱۳۷۳). موزه هنرهای معاصر تهران: حریم ارزش‌های پایدار. تهران: نشر موزه هنرهای معاصر تهران.
- عنایت، توفیق (۱۳۸۷). عناصر هویت و فرهنگ ایرانی در آثار هنر اسلامی. کتاب ماه هنر. شماره ۱۲. صفحات ۳۲ تا ۴۳.
- فلاحتی، مریم (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی. معماری و شهرسازی و توسعه پایدار. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- کرامتی، غزال (۱۳۸۳). تحلیل فضای موزه هنرهای معاصر تهران. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱۸ و ۱۹.
- کریمی، علی (۱۳۸۶). بازتاب هویت فرهنگی در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری. فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۲۹. صفحات ۳۱ تا ۶۲.
- معینی، جهانگیر (۱۳۷۴). نظریه و فرهنگ. تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- مهدوی پور، حسین (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر تأثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۸۴. صفحات ۵۲ تا ۶۰.

The Relationship Between Culture and Architecture (Case Study: Tehran Museum of Contemporary Art)

K.Momeni¹
Z.Masoudi²

Received: 2014.03.24
Accepted: 2015.06.07

Abstract

Transformations in the present century cause developments and changes between the manifestations of life and culture in Iranian society. The traditional architecture and its trends were underestimated and on the other hand due to the occurrence rate of these transformations, there is no opportunity for adaption of these changes with culture of society. While developments in European countries occurred step by step and to a large extent the changes were easily replaced. For the revival of our original culture and architecture, we need to recognize its major factors so it can continue to exist. Architecture is not just a collection of styles and forms, and it doesn't completely specify its own social and economic conditions, but it comes as a set of them. Architecture as a communication system interacts with culture and for receiving its inner message, the cultural context in which that architecture is formed should be recognized and studied. Otherwise, its messages cannot be well perceived.

Tehran Museum of Contemporary Art is an outcome of the combination of concepts related to origins and principles of a modern approach to architecture from one side and the most inner layers of an Iranian architecture thinking as well. This research aims at studying and analyzing Tehran Museum of Contemporary Art in terms of the relation between culture and architecture. The research method is descriptive-analytical and by using different websites, related books and a field research method the data has been collected. At the end by applying intuitive and inductive reasoning, a general conclusion has been inferred. Analysis indicate that some original concepts of Iran's culture and its traditional architecture had impacts on the design of Tehran Museum of Contemporary Art both directly and indirectly and these ideas were correlated in a way in the concepts of the building's construction.

Key words: Culture, Architecture, Museums, Tehran Museum of Contemporary Art, Kamran Diba.

1. Assistant Professor, Faculty of Architecture and urban design, Jundi-Shapur University of Dezful; K_momeni@jsu.ac.ir

2. M.A Student of Architecture, Faculty of Architecture & urban design, Jundi-Shapur University of Dezful; Zohreh.masoudi@jsu.ac.ir